

بهیافت منظر*

رویکرد نو در احیای نواحی دفن زباله

چکیده | عصر صنعت با خود فرهنگ مصرف‌گرایی را به همراه دارد که تنها با اتمام زندگی انسان‌ها در زمین به پایان می‌رسد. بشر امروزی به طور دائم کالا و فضاراً مصرف می‌کند، دور می‌اندازد و سپس باعوقب نامطلوب که یکی از آنها ایجاد سایت‌های دفن زباله است مواجه می‌شود. نتیجه این رویارویی، تلاش برای احیای سایت‌های متروک، مهجور و مصرف شده‌ای است که جزوی از شهرها هستند. راه حل معمول و رایج برای پنهان کردن سایت‌های دفن زباله بدون احیای آنها قابل قبول نیست. احیای این سایت‌ها و رویارویی با آنها و ارایه راه حل‌هایی برای کاهش آسیب‌هایی که به موجب آلودگی‌های زیست محیطی و بصری آنها بر شهرها تحمیل می‌شود، دردههای اخیر مورد توجه واقع شده است. «مفهوم بهیافت» مفهومی نوین در زمینه مصرف‌گرایی و محیط زیست است. این نوشتار ضمن شناخت ویژگی‌های سایت‌های دفن زباله و نخاله، برخورد معماری منظر با این پدیده را بررسی والگویی منظرین و متناسب با ماهیت و زمینه آن معرفی می‌کند.. مفهوم بهیافت، جوهره هنر را عاملی می‌داند که باعث ارتقای کیفی کالاها و فضاهای مصرف شده می‌شود. در این میان معماری منظریه عنوان یک دیسیپلین و به واسطه ارتباطی که با انواع هنر برقرار می‌کند، رویکردی متفاوت به احیای این سایت‌ها دارد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد رویکرد منظرین به احیای سایت‌های دفن زباله، علاوه بر در نظر گرفتن جنبه‌های زیست محیطی، بر جنبه‌های ذهنی تأکید دارد و می‌تواند با حفظ پیشینه، ویژگی‌های مفهومی این سایت‌ها را برجسته و با بهره‌گیری از تکنیک‌های هنری، مخاطب را در مورد مسائل زیست محیطی آگاه کند.

واژگان کلیدی | بهیافت^۱، لنڈفیل^۲، منظر، منظر اقلاف^۳، هنر.



تصویر
Pic1

تصویر1: رویکرد اصلی طراحی پارک المپیک لندن که بر فضولات سبز و نخاله‌های ساختمانی ساخته شده کاشت اکولوژیکی پایدار و استفاده از کیاهان بومی و غیر بومی بوده است. لندن، انگلستان.
مأخذ: www.illusion.scene360.com

Pic1: The main approach in the design of London Olympic park built on construction waste is to apply the sustainable ecological planting and to use native and Non-native plants.
Source: www.illusion.scene360.com

سید امیر منصوری
استادیار دانشکده معماری
پردیس هنرهای زیبا،
دانشگاه تهران
amansoori@ut.ac.ir



نفیسه سیده
کارشناس ارشد معماری
منظر، دانشگاه تهران
nafise_seyede@ut.ac.ir



هستند که همواره با آنها خواهند ماند و حتی با تغییر کاربری آنها، از بین نخواهند رفت و معرف ویژگی های گذشته آنها خواهند بود. این سایت ها در دیدی نوستالژیک، بیان گر تاریخ تکامل و تمدن بشر شهروندی های هستند که احیای آنها علاوه بر تبدیل شان به مناظری قابل استفاده و سودمند، بخشی از جریانات و روش زندگی بشر را در دوره ای از تاریخ روایت خواهد کرد. پسمند ها از بنای ای از عمارتی ارزشمند یا سایت های دفن زباله باعث قضاؤت آیندگان خواهد شد. همین نکته اهمیت و ضرورت احیای چنین سایت هایی را با حفظ ویژگی های پیشین آنها روشن می کند. از طرفی اگر منظر را گفتمانی متربانیه درباره جامعه و فرهنگ تصور کنیم، در این صورت مداخله بشر در طبیعت، خواه خوب، بد یا زشت، به عنوان منظر فرهنگی تلقی می شود (فرهمند، ۱۳۹۰). در نتیجه می توان لندفلی را رویه تاریک و اجتناب ناپذیر منظر فرهنگی بشتر تلقی کرد که این قابلیت را دارد که منظر (فرهنگی) جدیدی برای آینده باشد. منظرها از یک عملکرد به عملکرد دیگر تغییر پیدا می کنند، رها و باز اشغال می شوند، اشکال جدیدی به خود می گیرند، به حالت اولیه خود بر می گردند و گاهی به طور غیر قابل بازگشت تغییر می کنند. زباله ها به طور متواتی روی هم جمع شده و جزئی از طبیعت می شوند (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۲۴). این نوشتار با تکیه بر ماهیت پویای منظر، بررسالت و وظیفه آن در زمینه احیای این سایت ها تأکید کرده و با بررسی ویژگی های عمارتی منظر در مواجهه با این مناظر، راهکارهایی را برای تبدیل آنها از فضاهایی تاخوشاً ندید به مناظر مطلوب شهری معرفی می کند.

فرضیه | عمارتی منظر به عنوان واسطه ای بین هنر و احیای سایت های دفن زباله علاوه بر کاهش مخاطرات زیست محیطی ناشی از آنها، پیشنهاد این سایت ها را به عنوان بعد ذهنی و مفهومی بر جسته کرده و اهمیت آن را نسبت به سایر رویکردهای موجود بیشتر می داند.

مفهوم بهیافت

برای درک هر پدیده، انتخاب واژگان مناسب برای اجزاء آن راهگشا خواهد بود. سایت های دفن زباله ضمن دارا بودن تعاریف و دستور زبان منحصر به فرد، نیازمند واژگان و ادبیات مختص خود هستند که به شناخت بهتر آنها کمک خواهند کرد. با شناسایی و معرفی این واژگان در کنار بررسی رویکردهای نوین برای احیای لندفلی ها، نتایجی حاصل می شود که الگوها و پارادایم های مربوط به طراحی آنها را مشخص می کند.

در روند مصرفی شدن جوامع، برنامه ریزان بیش از هر چیز به مفهوم بازیافت پرداخته اند. با مطالعه تعاریف موجود برای واژه «بازیافت» در می باشیم، در این فرایند، پسمند های بازیافت شده نسبت به مواد اولیه کیفیت و قیمت پایین تری دارند و از طرف دیگر، بازیافت، فرایندی است که در کارخانه های مخصوص و با صرف انرژی ممکن می شود. بنابراین چنین فرایندی مصالح را به چرخه هایی پایین تراز چرخه مصالح اولیه روانه می کند (امینی، ۱۳۹۲: ۸). نتیجه اینکه لفظ بازیافت برای اقداماتی چنین، صحیح به نظر نمی رسد. «رینر پیلز» برای اولین بار با دغدغه ای مشابه، اقدام به معرفی واژگانی در این مورد کرده است. او چنین فرایندی را downcycling و upcycling نامیده و لفظ را برای فرایندی به کار می برد که کالاهای مصرف شده و به عبارت دیگر دورریختنی ها در آن ارزش بالاتری پیدا می کنند (Kay, 1994: 14). برای چنین اقدامی کلمه «بهیافت» جایگزینی مناسب می نماید (امینی، ۱۳۹۲: ۱۰). مناظر اتلاف، نتیجه طبیعی فعالیت های مصرفی و رشد صنعتی و اقتصادی هستند، چراکه براساس قاعده طبیعت در رشد و تکامل جامعه، تولید پسمند اجتناب ناپذیر است (Berger, 2006).

مقدمه | زمین متروکه اغلب به زمینی گفته می شود که دچار چنان آسیبی شده است که بدون اقدامات اصلاحی بیشتر قابل استفاده نباشد. این تعریف شامل زمین هایی نظیر محوطه کارخانه های متروکه می شود و زمین هایی را که صرفاً خطرناک هستند یا در اثر سوانح طبیعی غیر قابل استفاده باشند، دربرنمی گیرد. اگر زمینی، زمانی مفید بوده و سپس به واسطه فعالیت های انسانی، دیگر استفاده نداشته باشد، متروکه و رهاشده تلقی می شود (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۱۹). طبق این تعریف سایت های دفن زباله به واسطه فعالیت های انسانی رخ داده در آن، متروکه و رها شده قلمداد می شوند. «اسپین»^۴ در کتاب «زبان منظر» از زمین های متروکه نظیر سایت های دفن زباله (لندفلی ها) و یا معادن مورد بهره برداری قرار گرفته با عنوان "منظار اتلاف" یاد می کند. تغییر آبگیر بوستون (Boston) و ریبوری (Riverly) از صنایعات شهری به حیات وحش و منظر (Werribee) در ملبورن استرالیا که منظری از صنایعات بوده و توسط مهندسین و اکولوژیست های حیات وحش برای تصفیه فاضلاب طراحی شده، از اولین اقدامات در چه احیای یک منظر اتلاف بوده است (اسپین، ۱۳۸۴: ۱).

«لینچ»^۵ از مفهومی تحت عنوان باستان شناسی پسمند ها یاد می کند و آنها را انباشتی از اطلاعات می داند. وی پسمند را به معنای گسترش آن که هدردادن باشد، در نظر می گیرد و معتقد است : «میزان مصرف، ماهیت واقعی رژیم غذایی، هدردادن مواد غذایی و تفاوت هایی که بین گروه های مختلف اجتماعی وجود دارد را می توان با دقت در پسمند های آنان مشخص کرد. مردم نمی خواهند افراد دیگری زباله آنان را مطالعه کنند. اگر با آنچه دور می ریزیم بازتر عمل کنیم، ممکن است بیشتر درباره خودمان بیاموزیم» (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۰۱). همچنان که در علم پژوهشی با بررسی مواد دفع شده بدن انسان به عامل بیماری پی برد می شود، با مطالعه دورریختنی هایی که جامعه می توان به نحوه زندگی آنها پی برد. لندفلی ها همچون کالاهای مصرف شده، حاوی اطلاعاتی



تصویر۲
Pic2

تصویر۲: احیای سایت دفن زباله با
شاخص و نمادین کردن آن در بستر خود،
دروزان، اسپانیا.
مأخذ: www.Architizer.com

Pic2: Revival of the Landfill by symbolizing it on its context, Juan Landfill. Source: www.Architizer.com



هنر، معماری منظرو سایت‌های دفن زباله

معماری منظربرخلاف تصور عامیانه که آن را تنها اقدامی زیبایاسازنده در محیط می‌شناسد، رویکردی چندبعدی و دارای اهداف فرهنگی، عملکردی و زیباشناصانه است (منصوری، ۱۳۸۳). محیط زیست طبیعی و فرهنگی، اوقات فراغت، هنرها و تجسمی، علوم انسانی، دانش‌های فنی مربوط به شناخت طبیعت، گونه‌های گیاهی، تأسیسات زیرساختی و بسیاری زمینه‌های دیگر در فرایندی هدف دار به کمک گرفته می‌شوند تا تئوری‌های معماری منظر حاصل آید. اگر معماری منظرروندي فرض شود که با مقولات ذهنی و معنایی معمار آغاز می‌شود و درنهایت به مقولات عینی و صوری می‌انجامد و مخاطب از آن بازخوردی معنایی و ذهنی خواهد داشت، نادیده گرفتن ارزش هر مکان و طراحی براساس قوانین ثابت کار، با ارزش نخواهد بود. ساماندهی مکان بد با رویکرد صرف زیبایی به عنوان یک رویکرد منظرین مورد قبول نیست (حجتی و شیرازی، ۱۳۹۰). بهیافت سایت‌های دفن زباله با نگاه صرف کالبدی و کاهش مخاطرات زیست محیطی ممکن نخواهد بود. نقش معماری منظر به واسطه ارتباطی که با هنر برقراری می‌کند و تأثیری که در احساسات انسان دارد و همچنین توجهی که به ویژگی‌های طراحانه‌ای دارد که جنبه‌های مفهومی را شاخص کرده و ذهن مخاطبان را درکریم کند، بسیار مهم است. در ادامه هنر زمینی و الگوی مناظر بهیافتی به عنوان راهکارهایی هنری برای احیای جبهه ذهنی این سایت‌ها معرفی می‌شوند.

هنرزمین‌ساز^۱

هنر زمینی تکنیک مناسبی برای نمادین ساختن لندفلیل‌هاست، چراکه این هنر در دهه‌های بروز خود، آگاهی مردم را نسبت به مسائل زیست محیطی افزایش داد. «اسمیتسون»^۲ یکی از فعالان هنر زمینی با تلاش در احیای چشم‌اندازهای صنعتی متربوک، توجه مخاطبین را به ابعاد فضایی، تاریخی، زمین‌شناسی و فرهنگی آن جلب کرد. به گفته او در سرتاسر آمریکا معدن‌های متربوک، دریاچه‌ها و رودهای آلوده بسیاری وجود دارد که یک راه عملی برای بهره‌برداری از این اماکن مخربه، بهره‌گیری از هنر زمینی است. هنر می‌تواند به عنوان واسطه بوم‌شناس و صنعت‌گر عمل کند و دیالیکتیک لازم بین این دو را فراهم کند. هنرمند باید تمام مسائل واقعی فراوری اکولوژیست و

و حاکی از موقعیت بودن ابدی همه چیز خواهد بود؛ یکی تلفکردن کوتاه مدت اشیاء و دیگری تلفکردن بلندمدت مکان (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۳۷). اینکه مناظر همچون کالاهای مصرفي، امروزه به دورانداخته می‌شوند، نشان می‌دهد فضا و کالا با وجود تفاوت‌های غیر قابل انکار، در این نکته که قابلیت‌ها شدن و به دورانداخته شدن را دارند مشترک‌اند. بنابراین برای رساندن مناظر اتفاق به کارکردی با ارزش‌تر از کارکرد پیشین خود، کلمه «بهیافت» که پیش از این برای کالاهای مصرفي استفاده داشت، مناسب به نظر می‌رسد.

معماری منظره سایت‌های دفن زباله طی فرایندی سازگار، رابطه منظر و محیط‌بست از سطح بیولوژیک و مادی به مرتبه انسانی و معنوی صعود کرده و رشد و توسعه میانی نظری معماری منظر در تعامل با محیط زیست صحت و قطعیت بیشتری پیدا کرده است (منصوری، ۱۳۸۳). این تعامل بیش از هرچیز در فرایند احیای لندفلیل‌ها مشاهده می‌شود. چنانچه در طراحی پارک المپیک لندن^۳، رویکرد پروره که بر خاک پساصنعتی بسیار آلوده شامل فضولات سیز و نخلالهای ساختمانی ساخته شده، براساس کاشت اکولوژیک پایدار، اسفلاده از گیاهان بومی و غیر بومی بوده است (ایچ موف و دونت، ۱۳۹۰: (تصویر۱). این نگاه اکولوژیک صرف با تأکید بر مسئله کاشت، اگرچه محیط زیست را در محوریت طراحی قرار داده، اما به نظر می‌رسد به بستر طراحی و پیشینه سایت بی‌توجه بوده است. از طرفی تحقق بخشیدن به اهداف زیست محیطی در چنین سایت‌هایی، علاوه بر اقدامات درمانی نظیر گیاه‌پالایی و گندزاری و تولید انرژی و آب مصرفي، نیازمند به اقدامات پیش‌گیرانه نیز هستند که آموزش‌های مربوط به محیط زیست به افراد از این جمله است. در پروره بهیافت سایت دفن زباله «هیریا» پیتر لاتر^۴ طراح پروره به این نکته توجه کرده و علاوه بر ایجاد مرکز تحقیقات تکنولوژی، برای فعالیت‌های آموزش زیست محیطی تمهیداتی اندیشیده است. همان‌گونه که رویکرد معماري منظر در سایت‌های پساصنعتی، تغییر سایت‌های صنعتی اولیه به کاربری‌های فرهنگی و زیست محیطی جدید یا برگرداندن آنها به مبدأ اولیه و طبیعی‌شان است، رویکرد معماري منظر در تجربیات جهانی احیای سایت‌های دفن زباله، تبدیل آن به کاربری‌های فرهنگی و زیست محیطی جدید است.

آنچه احیای سایت‌های دفن زباله را از سایر مناظرمتفاوت می‌کند، پیشینه نامطلوب آنهاست. معماری منظری تأکید براین ویژگی و به واسطه رابطه‌ای که با هنر دارد، مفاهیم و راهکارهایی را در احیای این سایت‌ها به کار می‌گیرد که ضمن تبدیل آنها به مناظری مطلوب، گذشته این سایت‌ها را یادآوری و مخاطبین را در مورد آینده محیط زیست آگاه می‌کند.

در حالی که در هنرهایی که جوهر آنان بر تعقل و ادراک کلیات و کشف روابط میان پدیده‌ها برقرار است، مخاطب پس از مواجهه با اثر ملزم به کنکاش‌های ذهنی و به کارگیری دانش‌های قبلی خود است تا به ادراکی از آن دست پیدا کند (منصوری، ۱۳۸۳). تعمیر و استفاده مجدد از دوربریختنی‌ها، ایده‌آل ترین برخورد آنهاست. از نظر زیست‌محیطی این عمل باعث می‌شود علاوه بر تمدید عمر ماده، نیاز به کالای جایگزین نیز مرتفع شود. در فرایند بهیافت، زندگی جدید شیء زمانی شروع می‌شود که زندگی قبلی آن کاملاً به پایان رسیده است. یعنی از شیء در جایی سودمندتر و به غیر از عملکرد قبلی آن استفاده شود (امینی، ۱۳۹۲). نمونه چنین استفاده‌ای در پروژه «طوع ماه^۱» دیده می‌شود که ۲۳۰۰ بطری پلاستیکی روش شده با الای دی به مدول‌های مثلثی پیش‌ساخته‌ای متصل شده‌اند و یک پاویلیون را شکل داده‌اند (تصویر۴). در این پروژه از قابلیت ایجاد بافت بطری‌های پلاستیکی در کنار هم استفاده شده است. این نحوه استفاده از دوربریختنی‌ها نشان می‌دهد پدیده بهیافت علاوه بر مواد اولیه دوربریختنی، نیازمند انفاق دیگریست و آن جوهره هنر است (همان). منظر به عنوان هنری که مخاطب را در مواجهه با خویش به تفکر و امیدارد، با بهره‌گیری از این ایده در طراحی می‌تواند مخاطب را به طور خاص در مورد مسائل زیست‌محیطی آگاه کند که هدفی ارزشمند در احیای لندفلیل‌ها خواهد بود.

صنعتگر را بپذیرد و در آن دخالت کند (سیروس صبری، ۱۳۹۱، ۱۳۸: رایرت موریس^۲). مهم‌ترین تأثیر هنر زمینی در بهیافت محوطه معدن را این نکته می‌داند که هنر می‌تواند و باید گناه تکنولوژی را پاک کند. هنرمندانی یافتد می‌شوند که این وضعیت اسفبار را به شرایط الهام‌بخش تبدیل کنند (همان: ۷۷).

در دره ژوان اسپانیا^۳ این نگاه منظرین و فرابتی که طی آن ضمن نمادین شدن بستر توجه به ویژگی‌های پیشین و تأکید بر جنبه ذهنی منظر و دریافت مخاطب از فضای مشاهده می‌شود (تصویر۲). این دره که منشکل از زباله‌های شهری تا ارتفاع ۱۰۰ متر است، طوری طراحی شده که سایت را در بستر خود شاخص می‌کند. با اینکه در این پروژه، طراح برای بیان گذشته سایت، زباله‌ها را به صورت نمادین و محدود نمایش داده است، اما این اقدامات صرفاً تزئینی و پوششی، برای چنین سایت‌هایی ناکافی تلقی می‌شود (تصویر۳).

منظربهیافتی، تعامل معماري منظرو هنرهای تجسمی معماري منظر، بیش از همه هنرها با قواعد هنرهای تجسمی سروکار دارد. این گروه از هنرها به دلیل بهره‌گیری از ماده در خلق آثار خود امکان ارتباط مستقیم بیننده با اثر را فراهم می‌کنند. نحوه ادراک این آثار براساس مواجهه با اثر و تأثیر بر حواس انسان است. چنانچه یکی از اهداف هنر محظوظ کردن مخاطب و ارضای تمايلات زیبا‌سند او باشد، این عمل در مورد هنرهای تجسمی از طریق ارتباط با احساسات انسان به دست می‌آید.



تصویر۳: احیای دره دفن زباله ژوان، رویکردی پوششی با الهام از زمین‌های کشاورزی اطراف را دنبال کرده است. دره ژوان، اسپانیا. مأخذ: www.Architizer.com

Pic3: The revival of Juan Landfill has followed a covering approach inspired by the surrounding agricultural Lands. Source: www.Architizer.com

تصویر
Pic3

تصویر۴
Pic4



با توجه به این موارد، بهیافت منظر به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، علاوه بر تلاش برای بهبود مخاطرات زیست محیطی ناشی از این سایت‌ها، ویژگی‌های پیشین سایت در نظر گرفته می‌شود. همچنین با تکیه بر تکنیک‌های طراحی در بزرگ مقایس، به شاخص کردن سایت در زمین پیرامون خود می‌پردازد و در جزئیات طراحی با الگوی مناظر بهیافتی اقداماتی صورت می‌گیرد که با ویژگی‌های سایت و پیشینه آن نسبت مستقیم و با اهداف متصور، برای احیای این سایت‌ها، هماهنگی دارد. این گونه تلاش‌های ضروری برای طراحی سایت‌های دفن زباله از دریچهً معماری منظر که هر دو نگاه کل‌گرا و جزء‌نگرا دنبال می‌کند، در مقایس کلان با شاخص کردن سایت در پرسترن خود ویژگی‌های گذشته زندگی بشری و در مقایس خرد و طراحی جزئیات، آینده سرگذشت بشر در کرهٔ خاکی را یادآوری خواهد کرد. بهیافت منظر نهایتاً به رویدادی منجر خواهد شد که مخاطب را در رویارویی با آن به تعمق و ادراک زیست محیطی و حس تعلق مخاطب به محیط زیست و احساس مسئولیت در قبال آن را ارتقا خواهد داد.

تصویر۴: ۲۳۰۰ بطری پلاستیکی روشن شده با الای‌دی، قابلیت ایجاد افاف بطری‌های پلاستیکی در کارهای مفهوم بهیافت را به خوبی نشان می‌دهد. پروژه «طلوع ماه»، هنگ کنگ، مؤذن: www.nowtravelasia.com

Pic2,300 : 4 plastic bottles in an undulating pattern and Lighted with LED lights demonstrates the potential of bottles to create the texture and the concept of "upcycling". Source: www.nowtravelasia.com

نتیجه‌گیری | با درنظر گرفتن اینکه سایت‌های دفن زباله به دلیل ساختار زیبانی منحصر به فرد خود نیاز به رویکردی ویژه برای طراحی و احیا دارد، «بهیافت منظر» به عنوان الگویی مستخرج از معماری منظر، که به بازگرداندن این سایت‌ها به چرخه‌ای سازنده، نگاهی همه جانبه دارد، روشی مناسب برای احیای آنهاست که با ویژگی‌های زیر معرفی می‌شود:

- تلاش برای کاهش مخاطرات زیست محیطی ناشی از دفن دوربری‌ها؛
- شاخص کردن سایت در بستر پیرامونی به عنوان نشانی از امروز برای آیندگان؛
- استفاده از مصالح و مواد دوربرختی در طراحی جزئیات و به عنوان بازنوردی از ماهیت سایت؛
- ارتقای کارکرد سایت با دخیل کردن فعالیت‌های زیست محیطی؛
- امکان سنجی و تلاش برای استفاده از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های مکانی سایت برای تولید انرژی.

پی‌نوشت

در منتهی‌الیه گنبد به نور ماه اجازه ورود به داخل پاپیلیون را داده که بطری‌های داخلی را هم به همان گنبدی ژئودزیک نورانی است که بازتاب دهنده محوظه روشن می‌کند. جالت این مجسمه شناور شکست نور ماه در پارک ویکتوریا خلق شده است. در طریق پنج گالانتی از جنس پلی‌کربنات به صورت منابع نور مجزاً عمل می‌کنند و به فرم حفره‌ای فانوس‌های کاغذی پیش از اینکه را به عنوان یک شهر پایدار معرفی می‌کنند.

Vall en de Juan . ۱۲

۱۳. گنبدی «ژئودزیک نورانی» است که برای نستیوال میانه پایین‌باام سرمیمن عجایب فانوس‌های ۲۰۱۳ در پارک ویکتوریا خلق شده است. در طریق پنج گالانتی از جنس پلی‌کربنات به صورت منابع نور مجزاً عمل می‌کنند و به فرم حفره‌ای فانوس‌های کاغذی پیش از اینکه را به عنوان یک شهر پایدار معرفی می‌کنند.

*. این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد «نقیسه سیده» با عنوان «طراحی منظر تپه‌های حاصل از نخلهای عمرانی-ساختمانی شمال شرق تهران» است که به راهنمایی «دکتر سید امیر منصوری» در دانشگاه تهران انجام شده است.
۱. Upcycle سایت دفن زباله
۲. Landfill سایت دفن زباله
۳. WasteLand

فهرست منابع

- اسپیرن، آن ویستون. (۱۳۸۴). زبان منظر، ترجمه: حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- امینی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بهیافت در معماری داخلی. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری داخلی. تهران: دانشگاه تهران.
- ایچ موف، جمیزو دوتن، نایجل. (۱۳۹۱). طرح کاشت اکولوژیک در پارک المپیک ۲۰۱۲ لندن. مجله منظر، ۴ (۱۸) : ۱۴-۱۹.
- سیروس صبری، رضا. (۱۳۹۰). طراحی منظر ساختمانی، زهره. (۱۶)، طراحی منظر ساختمانی، مجله منظر، ۳ (۱۶) : ۴۲-۴۵.
- فرهمند، عرفان. (۱۳۹۰). منظر پاساچنعتی عرصه نوین معماری منظر. مجله منظر، ۳ (۱۶) : ۲۲-۲۵.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۷). اثلاف. تدوین: مایکل سوت و وورث. ترجمه: حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر معماری منظر. فصلنامه باغ نظر، ۲ (۱) : ۶۹-۷۸.

Upcycle The Landscape*

A New Approach to Revive the Landfills



Seyed Amir Mansouri, Ph.D in Urban Studies with Landscape Proficiency, Assistant Professor, University of Tehran, Iran.
Seyedamir.mansouri@gmail.com

Nafiseh Seyedeh, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran.
nafise_seyede@ut.ac.ir

Abstract | Industrial age has its own culture of consumerism which ends with the completion of human life on earth. The modern human constantly consumes goods and spaces and throws them away which makes them faces undesirable consequences including landfill sites. The result of this confrontation is the man's effort to revive such obsolete sites that are parts of the cities. The common solution to hide the waste disposal sites without restoring them is not acceptable. Reclamation of these sites, dealing with them and providing solutions to reduce the environmental and visual pollution imposed on cities has been noticed extremely in recent decades. Studying the concept of "upcycling" as a new concept in the field of consumerism and environment both identifies the characteristics of landfill sites and scrutinizes landscape architecture's approach to deal with this phenomenon and introduces a model which is appropriate to the nature and its context. The concept of upcycle, which means the process of converting waste materials or useless products into new materials or products of better quality for better environmental value, considers the art as a factor which increases the quality of wasted goods and spaces. Landscape architecture as a discipline and by its relation with different kinds of arts has a new approach to revive such sites. The Land art and the art of upcycle are introduced to revive Landfills in both small-scale and large-scale. The results of this research indicate that revival of these sites with landscape approach considers the environmental aspects and also emphasizes on mental aspects and highlights the conceptual features that informs the audience about environmental crisis by using the art techniques, and finally introduce stable, safe, economical and practical solutions.

Keywords | Upcycle, Landfill, Landscape, Wasteland, Art.

Endnote

*.This article has been taken from the M.A dissertation of Nafiseh Seyedeh. It is presented in University of Tehran under the supervision of Dr. Seyed Amir Mansouri.

Reference list

- Amini, M. (2014). *Behayft dar Memari-ye-Dakheli* [Upcycle in Interior Design]. Master dissertation. Tehran: University of Tehran.
- Berger, M. (2006). *Dorosscape: wasting Land in Urban America*. New York: Princeton architectural press.
- Farahmand, E. (2011). Postindustrial Landscape, a New Field of Landscape Architecture. *Journal of MANZAR*. 3(16): 22-25.
- Hitchmough, J. & Dunnett, N. (2012). Ecologically Based Planting Design at the 2012 London Olympics. *Journal of MANZAR*, 4(18): 14-19.
- Hojati, R & Shirazi, Z. (2011). Structuralist Landscape Design. *Journal of MANZAR*. 3(16): 42-45.
- Kay, T. (1994). "Salvo in Germany - Reiner Pilz". Available from: <http://www.salvoweb.com/files/salvonews/sn99v3.pdf> (accessed 23 February 2014).
- Lynch, K. A. (2008). *Wasting Away*. Translated from the English by Bahraini, H. Tehran: Tehran University Publications.
- Siroos Sabri, R. (2012). *Honar-e Mohiti* [Environmental Art]. Tehran: Peykare Publications.
- Spirn, A. W. (2005). *The Language of Landscape*. Translated from the English by Bahraini, S. H. & Aminzadeh, B. Tehran: Tehran University Publications.